

## جایگاه اعتماد عمومی‌شده در تابع تولید در بخش‌های اقتصادی ایران<sup>۱</sup> (مطالعه موردی: هشت بخش اقتصادی اقتصاد ایران)

عباس شاکری<sup>۲</sup>، فرشاد مومنی<sup>۳</sup>، تیمورمحمدی<sup>۴</sup> و سعیده علیزاده<sup>۵</sup>  
تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۹/۲۰، تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۱۱/۲۹

### چکیده

هدف از این پژوهش این است که با استفاده از مبانی اقتصاد خرد و مفهوم هزینه مبادله، مبادرت به تبیین چارچوب نظری جدیدی برای ورود سرمایه اجتماعی به درون تابع تولید اقتصاد کرده و قصد داریم بیان کنیم که سرمایه اجتماعی یا متغیر اعتماد عمومی‌شده جز جدانشدنی تابع تولید اقتصاد است. در واقع هدف اصلی تحقیق حاضر، استفاده از تئوری حاکمیت خانوار و داده‌های پانل به منظور بررسی اثر سرمایه اجتماعی با محور اعتماد عمومی‌شده بر سطح تولید در هشت بخش اقتصادی، اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۶ است. در این پژوهش، این نکته مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا اعتماد به‌عنوان جز معنوی تابع تولید می‌تواند وارد تابع تولید کل اقتصاد شود یا خیر؟ در این پژوهش ابتدا سعی نمودیم اعتماد عمومی‌شده را معرفی و یافته‌های علمی دیگران را مرور نماییم. همچنین سعی کردیم با بررسی نظریه حاکمیت خانوار شاخصی به‌عنوان نماینده کلیدی‌ترین متغیر سرمایه اجتماعی (اعتماد عمومی‌شده) معرفی نماییم. نتایج حاصل از تکنیک‌های اقتصادسنجی در این پژوهش حاکی از تایید فرضیه تحقیق مبنی بر ارتباط مثبت و معنی‌دار بین متغیر اعتماد و تولید است.

کلیدواژه‌گان: سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی‌شده، تابع تولید، اقتصاد ایران.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری سعیده علیزاده می‌باشد.

۲. استاد دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده اقتصاد، گروه اقتصاد نظری، (نویسنده مسئول)، Shakeri.abbas@gmail.com

۳. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده اقتصاد، گروه توسعه اقتصادی، farshad.momeni@gmail.com

۴. عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده اقتصاد، گروه اقتصاد نظری tmohammadi@economics.atu.ac

۵. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی. تلفن: ۰۹۱۲۴۱۲۷۷۴۸

## مقدمه

با مروری بر تجربه کشورهای در حال توسعه، اکنون بیش از هر زمان دیگری لزوم توجه به نهادها به‌عنوان قواعد بازی هر جامعه احساس می‌شود. رشد اقتصاد نهادگرای جدید باعث شده تا توسعه اقتصاد محور جای خود را به توسعه نهاد محور بدهد. علت این مطلب را باید در شکست نظریاتی که بر محور توسعه اقتصادی بنا شده بود جستجو کرد. تجربه کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین نشان‌دهنده این مطلب است که در صورت همراه نکردن رشد و توسعه اقتصادی با توسعه اجتماعی فقر و نابرابری بیشتر شده و بر محرومیت اجتماعی و بیماری‌ها و آسیب‌ها افزوده می‌شود. با توجه این امر محدود کردن مفهوم توسعه به رشد یا صرفاً توسعه اقتصادی در نهایت، روند توسعه پایدار و پیشرفت همه جانبه را کند می‌کند. (جباری، ۱۳۸۳).

یکی از نهادهای مورد بررسی در اقتصاد نهادگرای جدید سرمایه‌اجتماعی است. واژه سرمایه اجتماعی در دهه ۱۹۹۰ در رشد اقتصاد به‌صورت یک اصطلاح رایج در آمد. به‌طور کلی در نظریه‌های اخیر دانشمندان علوم اجتماعی از جمله آثار دیه گو گامتا (۱۹۸۸)، جیمز کلین (۱۹۹۰) رابرت پاتنام (۱۹۹۳) و فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۵) توضیح داده شده است که میزان سرمایه اجتماعی، تعیین‌کننده کیفیت کارکرد نهادهای جامعه است. سرمایه اجتماعی مفهومی است که کمیت و کیفیت روابط میان انسان‌ها را در جامعه بیان می‌کند. سرمایه اجتماعی را به‌طور خلاصه می‌توان به معنای هنجارها و شبکه‌هایی دانست که امکان مشارکت مردم را در اقدامات جمعی به‌منظور کسب سود متقابل فراهم می‌کند. این مفهوم را بیشتر با سطح اعتماد و میزان عضویت در انجمن‌های رسمی و غیررسمی می‌سنجند.

از دیدگاه اقتصادی سرمایه اجتماعی بالا هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد، بر امکان همکاری و فعالیت‌های دارای منافع متقابل می‌افزاید و از شدت مشکلاتی که شکست بازار به همراه دارد می‌کاهد.

از نظر فرانسیس فوکویاما سرمایه اجتماعی برای بخش‌های خاص و اشکال خاص از تولید مهم است زیرا در مبادله براساس هنجارهای غیررسمی از هزینه‌های مبادله داخلی و خارجی سازمان و هزینه‌های مبادله بازار آزاد پرهیز می‌شود. هنگامی که ارزیابی کالا و خدمات پیشرفته دشوارتر می‌شود نیاز به مبادله غیررسمی نیز بیشتر خواهد شد.

سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی جدید وارد حوزه علوم اقتصادی شده است و زاویه جدیدی را در تحلیل مسائل اقتصادی گشوده است. یکی از زمینه‌های مطرح در ادبیات اقتصادی اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی و همچنین وارد ساختن آن به عنوان بخش معنوی تابع تولید ناخالص داخلی است.

یکی از ارکان و اهداف اصلی این تحقیق، بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر تولید به عنوان جز معنوی تابع تولید است. مفهوم سرمایه اجتماعی به خصوصیات و تعاملات و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی مانند شبکه‌ها<sup>۱</sup>، هنجارها<sup>۲</sup> و اعتماد<sup>۳</sup> بازمی‌گردد که در پژوهش حاضر با تمرکز بر محور اعتماد که یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های سرمایه اجتماعی می‌باشد به دنبال بررسی اثر اعتماد بر سطح تولید می‌باشیم.

این پژوهش را به این صورت سازمان‌دهی می‌نماییم که ابتدا شرحی در ارتباط با تعیین مفهوم اعتماد داریم، سپس به این نکته می‌پردازیم که اعتماد چگونه به عنوان نهاده تولیدی وارد تابع تولید کل اقتصاد می‌شود، در ادامه مولفه اعتماد عمومی شده و نحوه شاخص‌سازی آن براساس شعاع بی‌اعتمادی فوکویاما مورد تحلیل قرار می‌گیرد و در نهایت، در خاتمه این پژوهش فرضیه تحقیق مبنی بر ارتباط مثبت و معنی‌دار بین متغیر اعتماد عمومی شده و تولید کل اقتصاد مورد آزمون قرار می‌گیرد.

### اعتماد چیست؟

فوکویاما معتقد است که تقریباً تمام تلاش‌های اقتصادی اعم از اداره کردن یک مغازه کوچک تا ایجاد شرکت عظیم کامپیوتری نه به وسیله افراد بلکه، به وسیله تشکیلاتی صورت می‌گیرد که لازمه آن وجود میزان زیادی از همکاری‌های اجتماعی است. به اظهار اقتصاد دانان توانایی سازماندهی تشکیلات اقتصادی نه تنها بر نهادهایی چون حقوق تجارت، قرارداد و ... متکی است بلکه، مستلزم مجموعه قوانین و اصول اضافی نانوشته‌ای است که اساس اعتماد را تشکیل می‌دهد. وجود اعتماد در میان اعضاء یک تشکیلات اقتصادی به میزان بسیار زیادی

- 
1. Network
  2. Norms
  3. Trust

می‌تواند هزینه آن را کاهش و کارایی و موفقیت آن را افزایش دهد. به اعتقاد فوکویاما اشکال مختلف سرمایه‌اجتماعی مردم را قادر می‌کند تا به هم اعتماد کنند و تشکیلات اقتصادی را به وجود آورند.

در واقع فوکویاما و متفکران حوزه سرمایه‌اجتماعی علی‌رغم داشتن دیدگاه‌های متفاوت درباره شاخص‌ها و متغیرهای سازنده سرمایه‌اجتماعی بر روی سه مولفه اتفاق نظر دارند. شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد.

بسیاری از متفکران عقیده دارند که در بین این سه مولفه اعتماد عنصر کلیدی شکل‌گیری روابط اجتماعی در قالب گروه‌ها و قوام‌دهنده آن‌ها است. بسیاری از فیلسوفان اجتماعی نظیر هابز و توکویل معتقدند که اعتماد پایه اساسی نظم اجتماعی می‌باشد. اعتماد تنش‌ها را کاهش داده و انسجام را افزایش می‌دهد. آن چه که باعث اعتماد مردم به یکدیگر می‌شود احساس امنیت است به هر صورت مردم نیاز دارند تا به یکدیگر اعتماد بیشتری داشته باشند تا بتوانند با چالش‌های جهانی شدن و عصر اطلاعات مقابله کنند. آدام اسمیت به اعتماد به چشم روان‌کننده حرکت اقتصاد بازار نگاه می‌کرد. نکته مهم این است که اعتماد را نمی‌توان به‌طور مصنوعی ایجاد کرد، اعتماد محصول شرایط اجتماعی و اقتصادی خاص در جامعه است که در طول زمان از طریق تکرار سلسله‌ای از تعامل‌ها شکل می‌گیرد (زارعی، ۱۳۸۷: ۸).

اعتماد واژه‌ای است مصطلح در زبان فارسی که ریشه عربی دارد و به مفهوم تکیه کردن یا واگذاری انجام به دیگران تعریف شده است. در واژه‌نامه‌های انگلیسی به معنای پشتگرمی و اعتقاد به‌کار رفته و معادل کلماتی مانند *dependence, Trust, Confidence, reliance* می‌باشد در میان واژه‌های انگلیسی *Trust* واژه‌ای متداول و همسو با فرهنگ جوامع غرب است. به‌نظر می‌رسد اعتماد نیز مانند بسیاری از مفاهیم در علوم انسانی و اجتماعی تعریفی سر راست و جامعی که به اجماع نظریه‌پردازان و اندیشمندان رسیده باشد ندارد. این واقعیت البته پر بیراه نیست چرا که هر یک از متفکران از دریچه و رویکرد خاص خود به موضوع نگریسته‌اند.

به عقیده وین استوک (۱۹۹۹) اعتماد هم از لحاظ باطن قضیه و هم از لحاظ افراد ارزشمند است او استدلال می‌کند که صرف اینکه اشخاص در جامعه کنار هم زندگی می‌کنند و به یکدیگر احترام می‌گذارند و شاید رفتاری خیرخواهانه و یا حداقل غیربدخواهانه نسبت به یکدیگر دارند ناشی از یک اعتماد سطحی بین افراد است البته اهمیت پایه‌ای اعتماد فراتر از

این دلایل اخلاقی است. ارزش کارکردی و سودمندی آن در جلوگیری از به خطر افتادن روابط اجتماعی ظاهر می‌شود. علاوه بر این شرط لازم برای جلوگیری از هرج و مرج و فلج شدن جامعه وجود اعتماد میان افراد است (سابین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۶۴۴).

به‌طورکلی اعتماد بخشی از واکنش فرد در قبال دیگران و به‌عنوان بخشی از برهم کنش بین کارگزاران اجتماعی می‌باشد. اعتماد یک احتمال عقلانی است که براساس آن یک کنشگر در رابطه با دیگران گروه‌ها و کارگزاران رفتار آن‌ها را قبل از وقوع پیش‌بینی و فعالیت خود را براساس آن طراحی می‌کند. (لارسون، ۲۰۰۷: ۲۲۲). اعتماد صلاح‌حدید است که از جانب فرد یا گروه که می‌توان به واسطه آن برکلام، وعده، اظهار شفاهی یا کتبی فرد یا گروه دیگری تکیه کرد. (روتر، ۱۹۹۷: ۲۹۷). به‌عبارتی می‌توان گفت اعتماد یک انتظار مثبت است. در رابطه با این که طرف مقابل در گفتار، کردار و تصمیمات خود به‌گونه‌ای فرصت‌طلبانه رفتار نکند (گردون، ۲۰۰۰: ۲۹۸). اعتماد سطحی از اطمینان است که یک فرد در رابطه با دیگری از آن برخوردار است و براساس آن رفتاری منصفانه، اخلاقی و قابل پیش‌بینی ارائه کند. اعتماد دارای یک ساختار چند بُعدی است که شامل اعتماد بین فردی، گروهی، سازمانی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد (نیهان، ۲۰۰۰: ۸۸). اعتماد را می‌توان شاخص‌ترین نتیجه سرمایه اجتماعی دانست. به همین خاطر است که در بسیاری از تحقیقات از اعتماد به‌عنوان جایگزین سرمایه اجتماعی نام بردند. اعتماد چرخ چرخ‌های حیات اجتماعی را روغن می‌زند.

اعتماد به معنای باور عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. این باور بر مبنای این احتمال است که دیگران کارهای به‌خصوص انجام می‌دهند یا از انجام آن پرهیز می‌کنند. فوکویاما اعتماد را به‌عنوان یک پیش‌نگری در داخل یک جامعه منظم و صادق همراه با رفتار مشارکتی که براساس هنجارهای مشترک پایه‌ریزی شده تعریف می‌کند. مفهوم اعتماد ممکن است برای پیش‌نگری رفتار یک شریک با توجه به تعهدات و الزامات و امکان پیش‌بینی رفتار او در مذاکره و تعاملات در حالی که او ممکن است با رفتار فرصت‌طلبانه مواجه شود بیان شود (اوفه<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰: ۴۷). اعتماد ماهیتاً خدماتی است که به صورت مکمل روابط اقتصادی را سامان

---

1. Sabine  
2. Offe

می‌دهد و فقدان آن ریسک فعالیت‌های اقتصادی را افزایش داده و مدیریت اقتصاد را با انبوهی از قوانین سنگین و صرف روبرو می‌کند. در واقع فوکویاما اعتماد را عامل اساسی در پیامدهای اقتصادی معرفی می‌کند (فوکویاما، ۱۹۹۹). اولین عنصری که در هرگونه تعریف از بحث اعتماد به چشم می‌خورد این است که اعتماد نوعی باور است. اعتماد باور درباره آن چیزی است که دیگران انجام خواهند داد و یا انجام نخواهند داد و این پیامدها و نتایج این عمل چه خواهد بود؟ از آنجا که اعتماد نوعی باور در مورد اقدامات و پیامدهای آنهاست ویژگی دوم هرگونه رابطه با مخاطره همراه است. هنگامی که به دیگران اعتماد می‌کنیم از پیامدهای آن مطمئن نیستیم یعنی در رابطه با اعمال دیگران توقعاتی داریم بدون این که بدانیم نتیجه نهایی چه خواهد شد. شخصی که اعتماد می‌کند. از این مخاطره آگاه است و خود را در برابر دیگران آسیب پذیر می‌نماید. سومین عنصر اصلی اعتماد این است که این پدیده به ارزیابی ما از میزان قابلیت اعتماد دیگران بستگی دارد. هرچند که وجود چنین رابطه‌ای دست‌کم به صورت ضمنی بدیهی است اما به ندرت در تحقیقات تجربی بررسی شده است منظور از قابلیت اعتماد این است که دیگران تا چه اندازه ظرفیت برآورده ساختن اعتماد ما را دارند. (لوی و استوکر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰، ۵۰۷-۴۷۵).

#### • انواع اعتماد از منظر صاحب‌نظران

پژوهشگران و صاحب‌نظران دست‌کم سه نوع متفاوت از اعتماد یاد کرده‌اند:

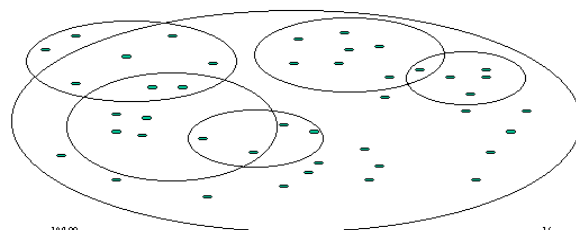
۱. اعتماد بستگان و خویشاوندی: که بیان‌کننده اعتماد افراد جامعه به افراد خانواده، نزدیکان و دوستان می‌باشد.
۲. اعتماد میان افراد (اعتماد تعمیم‌یافته یا عمومی‌شده یا به تعبیری اجتماعی): که بیان‌کننده اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و افراد جامعه می‌باشد.
۳. اعتماد نهادی: که ناظر بر احساس افراد نسبت به نهادها و یا حرفه‌های مختلف و یا حتی بخش‌های مختلف دولتی می‌باشد (به نوعی اعتماد انتزاعی نیز گفته می‌شود).

جان فیلیپ پلاتو در سال ۱۹۹۴ طی یک تقسیم‌بندی اعتماد را به دو حالت تقسیم می‌کند: (۱) اعتماد شخصی شده<sup>۱</sup> و (۲) اعتماد عمومی شده یا تعمیم‌یافته<sup>۲</sup>. اعتماد شخصی شده در اثر فعل و انفعالاتی مکرر بین اشخاص شکل می‌گیرد و دارای کارایی کمی است اما اعتماد عمومی شده از طریق تربیت کودکان و افراد، دانش عمومی درباره جمعیت عاملین و اشتیاق برای رویارو شدن به وجود می‌آید و دارای کارایی بیشتری است. تفاوت اساسی این دو اعتماد در این نکته است که در اولین برخورد با فردی اعتماد نوع اول مستلزم تلاش و زمان است اما اعتماد نوع دوم خود جوش است. اعتماد عمومی سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر از اعتماد شخصی شده عمل می‌کند. (دورلاف و همکارش، ۲۰۰۴: ۹). که در این پژوهش منظور ما از اعتماد، اعتماد عمومی شده یعنی اعتماد به افراد ناشناس مدنظر می‌باشد است.

### • شعاع اعتماد<sup>۳</sup>:

یکی از مفاهیم مفید در تبیین مفهوم سرمایه‌اجتماعی شبکه اعتماد است. شبکه اعتماد عبارت از گروهی است که براساس اعتماد متقابل به یکدیگر از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات فیما بین خود استفاده می‌کنند. از این رو، اعتماد فیما بین نقش زیادی در تسهیل فرآیندها و کاهش هزینه‌های مربوط به اینگونه تبادلات دارد. شبکه اعتماد می‌تواند بین افراد یک گروه و پایین گروه‌ها و سازمان مختلف به وجود آید. مفهوم ذکر شده را می‌توان در قالب شکل زیر مشاهده نمود:

Networks of Trust



101.89

14

منبع: فوکویاما (۱۹۹۹)

1. Personalized Trust
2. Generalized Trust
3. Radius of Trust

مفهوم مفید بعدی شعاع اعتماد است. تمامی گروه‌های اجتماعی دارای میزان خاص از شعاع اعتمادند که مفهوم میزان گستردگی دایره همکاری و اعتماد متقابل اعضاء یک گروه است. در یک نتیجه‌گیری می‌توان گفت که هر چه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بزرگتری باشد سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت. چنانچه یک گروه اجتماعی برون‌گرایی مثبتی نسبت به اعضای گروه‌های دیگر نیز داشته باشد شعاع اعتماد این گروه از حد داخلی آن نیز فراتر می‌رود. همچنین شعاع اعتماد ممکن است کوچک‌تر از آن باشد که همه اعضاء گروه را شامل شود کما اینکه در برخی سازمان‌های بزرگ هنجار همکاری تنها در بین رهبری یا کارکنان دایمی گروه تقویت می‌شود. یک جامعه مدرن را می‌توان همچون مجموعه‌ای از شعاع‌های اعتماد متحدالمرکز با لایه‌های روی هم قرار گرفته به تصور در آورد. گستره این سلسله‌ها می‌تواند از دوستان و جرگه‌ها تا سازمان‌های غیردولتی (NGOها) و گروه‌های مذهبی را دربرگیرد. در بخش‌هایی از چین که در شرق آسیا قرار دارد و نیز در قسمت اعظم آمریکای لاتین سرمایه اجتماعی عمدتاً در مدار خانواده و طبقه نسبتاً تنگی از دوستان جمع می‌شود. برای مردم مشکل است به کسانی اعتماد کنند که بیرون از این طبقه‌های تنگ جای دارند. غریبه‌ها یا غیرخودی‌ها در مقوله‌ای سوای خویشان جای می‌گیرند. در چنین فرهنگ‌هایی هرکس خود را متعلق به یک خانواده و یا یک گروه بزرگتر می‌داند بنابراین در این فرهنگ‌ها شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی ماهیت خانوادگی داشته و به‌ندرت از محدوده اولیه خود بزرگتر می‌شوند. این امر باعث می‌شود که فعالیت آن شرکت‌ها محدود شده و به احتمال زیاد عمر آنها نیز کوتاه گردد و در نسل‌های بعدی این خانواده‌ها از بین بروند. نقش اصلی در اقتصاد این کشورها برعهده سرمایه اجتماعی و شعاع موجود در روابط تجاری و تبادلات بین شبکه‌ها و اعتماد خانوادگی است. فوکویاما نهایتاً شعاع اعتماد محدود و پایین را دارای عوارض کارکردی شدید می‌داند که به نهادینه شدن فساد منتهی می‌شود. سطوح پایین سرمایه اجتماعی در دولت محلی ناکارآمد در جنوب ایتالیا یافت می‌شود که فساد دائمی منطقه را باعث شده است. در بسیاری از جوامع آمریکای لاتین شعاع اعتماد اندک، سبب ایجاد سیستم اضافی دولایه شده است که در آن رفتار خوب صرفاً مختص خانواده و دوستان نزدیک است و استاندارد پایین رفتاری متعلق به گروه‌های غیرخانواده و محیط‌های عمومی است. این وضع سبب ساز نوعی بنیان فرهنگی بروز فساد است که اغلب به منزله شیوه‌ای برای یافتن خانواده فرد عمل می‌کند (فوکویاما، ۱۹۹۹).



## تبیین چارچوب نظری پژوهش

در این بخش به دنبال راهی برای ورود اعتماد به‌عنوان یکی از نهادهای تولیدی به درون تابع تولید هستیم. برای این منظور در قسمت اول به بررسی رابطه هزینه مبادله و اعتماد و در قسمت دوم با بهره‌گیری از رابطه هزینه مبادله و اعتماد مبادرت به تبیین وجود اعتماد به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی در تابع تولید خواهیم پرداخت.

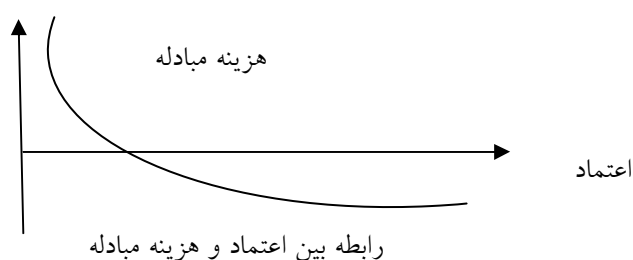
## - رابطه بین هزینه مبادله و اعتماد

حلقه اتصال اعتماد به‌عنوان اصلی‌ترین مولفه سرمایه‌اجتماعی به اقتصاد هزینه مبادله است. اعتماد شرایطی را به‌وجود می‌آورد که فرد در مبادله از ربودن فرصت‌ها به دلیل خسارتی که متوجه طرف مورد مبادله می‌شود خودداری کند و این مسئله او را در مبادله قابل اعتماد می‌سازد به‌نحوی که هزینه کنترل رفتار و نظارت برطرف مبادله (هزینه مبادله) را کاهش می‌دهد (فرانکوئیس، ۲۰۰۰). فوکویاما اعتقاد داشت که هزینه مبادله آن نوع هزینه‌ای است که در صورت فقدان اعتماد در سازمان‌ها و جوامع گسترش پیدا خواهد کرد. وی اعتقاد داشت که جوامع و شبکه‌هایی که روابط مبتنی بر اعتماد بین آنها وجود ندارد مجبورند بر پایه اتصالات رسمی و قراردادهای دفتری به نظم و تعادل برسند. بدین ترتیب آنان در کنش‌های اجتماعی مجبور به استفاده از قراردادهای از پیش تنظیم شده و هزینه‌های همراه آن خواهند بود و این هزینه‌ها، هزینه‌هایی هستند که در صورت وجود اعتماد وجود نخواهد داشت. (فوکویاما، ۱۹۹۵).

افراد در هنگام مبادلات اقتصادی مجبور به استفاده از قراردادهایی برای پایبندی به نوع خاص از رفتار در آینده خواهند. اگر طرفین معامله هیچ شناخت و اعتمادی نسبت به هم نداشته باشند این قراردادها باید به صورت رسمی و به‌همراه هزینه‌های اقتصادی برای هر دو طرف معامله شکل بگیرد تا اتصال ما بین آنها به صورت رسمی برقرار شود اما گر بین دو طرف قرارداد اعتماد متقابل وجود داشته باشد این اتصال بر پایه اعتماد موجود بین دو طرف برقرار شده و از این طریق سبب کاهش هزینه مبادله می‌شود (فیوسل، ۲۰۰۶).

لین و همکارش اعتقاد داشتند یکی از کارکردهای اعتماد به‌عنوان بخشی از یک نهاد اقتصادی این است که هزینه مبادله میان کارگزاران را کاهش می‌دهد. به اعتقاد آنها این نوع هزینه‌ها شامل چانه‌زنی در مورد یک قرارداد، کسب اطلاعات در مورد فرصت‌های داد و ستد، کنترل و

نظارت بر قرارداد و ضمانت اجرای آن می‌شود. اعتماد به چند طریق می‌تواند این هزینه‌ها را کاهش دهد. بدین ترتیب که نظم و قانون سبب می‌شود تجارت و تولید انجام شود بدون اینکه لازم باشد کارگزاران درگیر فعالیت‌های حمایتی پر هزینه شوند. یک احساس و درد مشترک از اخلاقیات اطمینان می‌دهد که مردم مبادرت به دزدی یا کلاهبرداری از یکدیگر نخواهند کرد. حتی در مواقعی که فرصت این کار را دارند (السون، ۱۹۹۹). اعتماد می‌تواند با تسهیل ایجاد توافق بین بنگاه‌ها و بین بنگاه و مدیریت کلان کشور باعث کاهش هزینه مبادله برای بنگاه شده و از این طریق سود بنگاه را افزایش دهد. بدین ترتیب می‌توان رابطه معکوس بین هزینه مبادله و اعتماد متصور بود به طوری که هرچه اعتماد بالاتر باشد هزینه‌های ناشی از مبادله کمتر خواهد بود. ((فیوسل، ۲۰۰۶)، (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۱۹۹۵)، (ناک و کیفر ۱۹۹۷)).



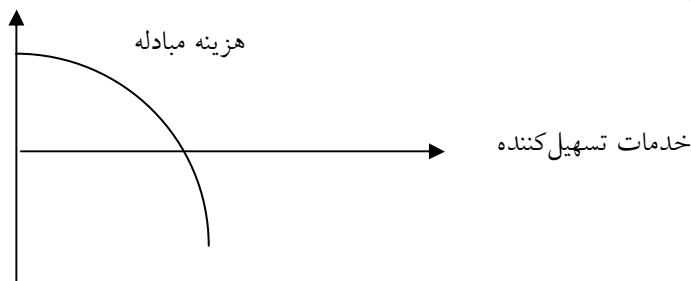
#### - اعتماد به عنوان نهاده تولیدی

تابع تولید از جمله مفاهیمی است که از اقتصاد خرد گرفته شده و حاصل تفکر اقتصاددانان نئوکلاسیک است تابع تولید عبارت از یک رابطه فنی بین عوامل تولید و محصول و معرف حداکثر محصولی است که می‌توان با فرض ثابت بودن سایر شرایط از مجموعه خاص نهاده‌ها به دست آورد. بر پایه تابع تولید نئوکلاسیکی معمولاً مقدار تولید تابعی از سرمایه و نیروی کار است. فرض ضمنی نظریه نئوکلاسیکی این است که هزینه مبادله وجود ندارد یا ناچیز است. در چنین فضایی هر مدیری با ترکیب عوامل تولید (کار و سرمایه) کالای موردنظر خود را تولید می‌کند. این نگرش شدیداً وابسته به پیش فرض‌های خاص خود است که طبق آن دولتی وجود دارد که چارچوب‌های حقوقی و قانونی مشخصی برای فعالیت‌های اقتصادی تعریف کرده است و از آن حفاظت می‌کند. در این دیدگاه سرمایه تولیدی عمدتاً شامل سرمایه

فیزیکی و سرمایه انسانی است. اما نکته مهم این است که بنگاه تولیدی برای تولید محصول خود علاوه بر این که به ترکیب عوامل تولید می‌پردازد با واقعیت دیگری نیز مواجه است. امروزه یک بنگاه تولیدی مجموعه‌ای از قراردادهاست (قرارداد با کارگران، قرارداد با تهیه‌کننده مواد اولیه، قرارداد با خریداران محصولات و ...) هرچند گاهی ممکن است معامله بین طرفین فقط یکبار صورت بگیرد ولی معمولاً طبق این‌گونه قراردادها، مبادلات تکرار خواهند شد. نکته مهم این است که این قراردادها در بسیاری از موارد حالت رسمی و قانونی ندارد و بنابراین فاقد پشتوانه بیرونی (قدرت اعمال قانون توسط دولت، برای تضمین مفاد آنها و رعایت حقوق طرفین می‌باشند. در این موارد آنچه که نقش اساسی در شکل‌گیری، پایبندی و تداوم این‌گونه قراردادها بازی می‌کند مجموعه‌ای از قواعد اخلاقی و عادات رفتاری غیررسمی و مثبتی است که طرفین مبادله به آن ملتزم می‌باشند و در واقع همین التزام انگیزه شکل‌گیری و پایبندی و تداوم قراردادها را فراهم می‌کند. این التزام مجموعه هنجارهای رفتاری که محصول آن اعتماد و همکاری و رفتارهای مبتنی بر اعتماد در جامعه است همان مفهوم سرمایه اجتماعی است. بدین ترتیب منطقی است که افزایش مولفه اعتماد سبب تسهیل در امر تولید می‌شود (فیوسل، ۲۰۰۶).

برای تبیین نحوه ورود سرمایه اجتماعی یا مولفه اعتماد که به‌عنوان شاخص‌ترین مولفه سرمایه اجتماعی مدنظر ما است. ابتدا یکی از فروض نئوکلاسیک نسبی بر صفر بودن هزینه‌های ناشی از مبادله را نقض کرده و فرض می‌کنیم که هر بنگاه میزان مشخصی پرداختی به‌عنوان هزینه مبادله خواهد پرداخت. بدین ترتیب بنگاه‌ها برای کاهش هزینه‌های ناشی از مبادله مبادرت به استخدام بخش ویژه‌ای از نیروی کار و سرمایه می‌کند. این نوع خاص از نیروی کار و سرمایه استخدام شده توسط بنگاه سبب تسهیل در مبادلات خواهند شد (از این پس این وقفه از عوامل را به‌عنوان عامل تسهیل‌کننده مبادله معرفی می‌کنیم). عامل تسهیل‌کننده فرصتی را به ما ارائه می‌دهد که بر اثر آن مبادلات راحت‌تر و با هزینه کمتری انجام می‌گیرد. بدین ترتیب می‌توان رابطه‌ای به شکل زیر برای ارائه خدمات تسهیل‌کننده مبادله و هزینه مبادله متصور شد.

با توجه به نمودار زیر می‌توان نتیجه گرفت که هر چه میزان خدمات تسهیل‌کننده<sup>۱</sup> بالاتر باشد بنگاه هزینه جانبی کمتری متحمل می‌شود. بنابراین فرضی اساسی این است که بنگاه دارای عامل تولیدی است که سبب تسهیل در مبادله شده و از این طریق هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد (نورث، ۱۹۹۰).



رابطه بین هزینه مبادله و خدمات تسهیل‌کننده مبادلات

تا این جا بنگاه‌هایی داریم که در مبادلات خود متحمل هزینه‌ای به نام هزینه مبادله می‌شوند و این بنگاه برای مقابله با افزایش این دسته از هزینه‌ها عاملی به نام عامل تسهیل‌کننده را استخدام می‌کنند که وظیفه اصلی آن کاهش همین نوع هزینه‌ها است. در ادامه فرض می‌کنیم تابع  $Q(w,y)$  با شرایط زیر برای این بنگاه فرض وجود داشته باشد که  $w$  نشان‌دهنده بردار دستمزد پرداختی بابت نهاده  $x$  و  $y$  نیز نشان‌دهنده میزان تولید بنگاه خواهد بود. حال اگر برای این تابع شرایط زیر برقرار باشد:

۱. به ازای مقادیر  $t \geq 0$ ؛  $Q(tw,y) = tQ(w,y)$  است.

۲. به ازای مقادیر  $w \geq 0$ ؛  $y \geq 0$ ؛  $Q(w,y) \geq 0$  است.

۳. به ازای  $w' > w$ ؛  $Q(w',y) \geq Q(w,y)$  است.

۴.  $Q(w,y)$  نسبت به  $W$  مقعر است.

آنگاه  $Q(w,y)$  تابع هزینه تکنولوژی تعریف شده توسط معادله زیر خواهد بود.

این معادله بیان می‌کند که به ازای مقادیر نهاده و قیمت‌های مثبت برای نهاده تابع  $Q(w,y)$  نشان‌دهنده کمترین مقدار هزینه پرداختی بابت استفاده از نهاده‌ها خواهد بود.

$$V(y) = \{x \geq 0: wx \geq Q(w,y), \forall w \geq 0\}$$

۱. نورث (1990)

بدین ترتیب تابع هزینه به صورت  $Q(w,y)$  برای بنگاه مذکور وجود دارد. حال اگر  $w_i$  نشان‌دهنده دستمزدی باشد که تسهیل‌کنندگان برای تسهیل در انجام کارها و یا کاهش در هزینه‌های مبادله می‌گیرند بدین ترتیب بردار موردنظر همواره برای بنگاهی وجود خواهد داشت (واریان، ۱۳۷۸: ۹۷).

بر طبق اصل دوگانگی و لم شفارد در اقتصاد خرد که بیان کند که اگر تابع هزینه بنگاه در  $(w,y)$  مشتق‌پذیر باشد و  $w_k > 0$  به ازاء  $k=1, \dots, n$  آنگاه خواهیم داشت:

$$x_i(x,y) = \frac{\delta Q(w,y)}{\delta w_i} \quad i = 1, \dots, n$$

که در این حالت  $x_i$  نشان‌دهنده تابع تقاضای شرطی برای نهاد  $i$  (عامل تسهیل‌کننده است). (واریان، ۱۳۷۸: ۸۵). بدین ترتیب این تابع به ازای هر انتخابی از  $y, w$  انتخابی از  $x$  خواهد داشت که هزینه تولید  $y$  واحد ستاده را حداقل می‌کند. تابعی که به ما این انتخاب بهینه را می‌دهد تابع تقاضای شرطی عامل نامیده می‌شود. به‌طورکلی می‌دانیم که در اقتصاد خرد برای هر بنگاهی تابعی وجود دارد که به ازاء هر مقدار استفاده از نهاد میزان تولید را حداکثر و میزان هزینه را حداقل می‌کند (واریان، ۱۳۷۸: ۹۹).

این تابع، تابع تولید است که از مجموعه توابع تقاضای شرطی برای نهادها تشکیل شده است. به طوری که برای تابع تولید  $y$  که برای تولید از  $n$  نهاد استفاده می‌کند خواهیم داشت:

$$Y = f(x_n) \quad n=1, \dots, i, \dots, n$$

بدین ترتیب با توجه به اینکه تابع تولید از مجموع تقاضاهای شرطی نهادها حاصل می‌شود و قبلاً نشان دادیم که برای هر بنگاهی تابع تقاضای شرطی برای خدمات تسهیل‌کننده وجود دارد پس در تابع تولید هر بنگاه فرضی حتماً جزئی به نام  $x_i$  که نشان‌دهنده تقاضای شرطی بنگاه برای خدمات تسهیل‌کننده مبادله است خواهید داشت. برای بیان شفاف‌تر موضوع فرض می‌کنیم که تابع  $Q(x,y)$  با شرایط زیر وجود دارد:

$$Q = w_i^\alpha w_j^{1-\alpha} y$$

در این تابع  $w_i$  نشان‌دهنده دستمزد عوامل تسهیل‌کننده مبادله (واسطه‌گران) و  $w_j$  نشان‌دهنده دستمزد و تعلق گرفته به سایر عوامل تولید است. حال بر طبق لم شفارد خواهیم داشت:

$$\frac{\delta Q}{\delta w_i} = x_i(x,y) = \alpha y w_i^{\alpha-1} w_j^{1-\alpha} = \alpha y \left(\frac{w_j}{w_i}\right)^{1-\alpha}$$

$$\frac{\delta Q}{\delta w_j} = x_i(x, y) = (1 - \alpha)yw_i^\alpha w_j^{-\alpha} = (1 - \alpha)y\left(\frac{w_j}{w_i}\right)^{-\alpha}$$

که در رابطه بالا  $x_i$  نشان‌دهنده تقاضای شرطی برای عامل تولید تسهیل‌کننده مبادله و  $X_j$  نیز نشان‌دهنده تقاضا و شرطی برای سایر عوامل تولید است.

برای رسیدن به تابع تولید بایستی نسبت دستمزدهای عوامل را حذف کرده و تابعی با متغیرهای  $X_i$  و  $X_j$  بسازیم که نشان‌دهنده تابع تکنولوژی تولید باشد.

$$\frac{w_j}{w_i} = \left(\frac{x_i}{\alpha y}\right)^{\frac{1}{1-\alpha}}$$

$$\frac{w_j}{w_i} = \left(\frac{x_j}{(1-\alpha)y}\right)^{\frac{1}{\alpha}}$$

با برابر قراردادن در معادله بالا با یکدیگر و به توان  $-\alpha(1-\alpha)$  رساندن دو طرف داریم:

$$(\alpha^\alpha (1-\alpha)^{1-\alpha})y = x_i^\alpha x_j^{1-\alpha} (*)$$

که معادله \* همان تابع تولید کاب داگلاس است. با توجه به تابع مشاهده می‌گردد که  $X_i$  جزئی از تابع تولید است. همان‌طور که قبلاً معرفی شد این متغیر نشان‌دهنده تقاضای شرطی عامل تسهیل‌کننده و کاهش هزینه مبادله (تقاضای شرطی اعتماد (سرمایه‌اجتماعی) است و از آنجا که در بخش قبل نشان دادیم که تسهیل در مبادلات تنها با ایجاد روابط اجتماعی مبتنی بر اعتماد و ایجاد کنش‌های اجتماعی دوطرفه انجام می‌گیرد و همچنین خدمات عامل تسهیل‌گیرنده مبادله چیزی جز اعتماد نیست پس  $X_i$  نشان‌دهنده تقاضای شرطی برای اعتماد است.

بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که در تابع تولید بنگاه اقتصادی نهاده‌ای به‌عنوان تسهیل‌کننده در امر مبادله وجود خواهد داشت که سبب کاهش هزینه‌های مبادله برای بنگاه می‌شود.

قبلاً ذکر شد که در یک بنگاه خدمات تسهیل‌کننده سبب برقراری ارتباط بین کنش‌گران شده و از این طریق چسبندگی متقابلی از نوع کنش‌های اجتماعی بین این دو کنشی‌گر ایجاد کند. با تاملی بیشتر بر این جمله می‌توان دریافت این خدمات چیزی جز سرمایه‌اجتماعی و اعتماد نخواهد بود. با کاهش میزان اصطکاک در مبادله سبب تسهیل مبادله و کاهش هزینه مبادله می‌شود می‌توان گفت که این پیامدها همان نتایجی است که از سرمایه‌اجتماعی و اعتماد نیز حاصل می‌شود. به‌طوری که یکی از مشخصه‌های مهم اعتماد رواج شبکه‌های غیررسمی در رفتارهای مبتنی بر اعتماد است که با تسهیل اعمال هماهنگ سبب افزایش کارایی جامعه می‌شود (پاتنام، ۱۹۹۳). در واقع در این قسمت سعی کردیم با بهره‌گیری از مبانی اقتصاد خرد نشان دهیم که اعتماد یکی از نهاده‌های موجود در تابع بنگاه‌های اقتصادی است بنابراین از

آنجا که اقتصاد ملی شامل همین بنگاه‌های کوچک و مجموع آن‌ها نیز می‌باشد پس اعتماد باید یکی از نهاده‌های تابع تولید کل اقتصاد باشد.

ساخت شعاع بی‌اعتمادی به‌عنوان شاخصی برای اعتماد عمومی شده در اقتصاد ایران فوکویاما یک جامعه‌ای برای تشریح نظریه حاکمیت خانوار تجسم می‌کند و در نظر می‌گیرد، جامعه‌ای که فقط از دو گروه تشکیل شده است. گروه اول خانوارها و گروه دوم غیرخانوارها هستند. فوکویاما در این نظریه اعتماد تعمیم‌یافته یا اعتماد عمومی شده را نماینده سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و در مقاله‌ای که در سال ۱۹۹۹ مطرح کرد معیار شعاع اعتماد را جهت سنجش اعتماد عمومی شده (سرمایه اجتماعی) معرفی می‌کند. وی به جنبه خانواری و غیرخانواری فعالیت‌های اقتصادی توجه داشته است. وی بیان می‌کند در جوامعی که به دلایلی اعتماد بین مردم کم است. مردم از هم می‌هراسند و از هم دور می‌شوند. در چنین جوامعی تنها محفل امن برای فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در گروه اول یعنی خانوارها و خانواده و آشنایان است. در چنین حالتی بیشترین تولیدات مربوط به گروه خانواده و آشنایان است و میزان ارزش تولیدی در گروه‌های غیرخانواری بسیار اندک است. برای این گروه‌ها (خانوارها) اعتماد به افراد خارج از گروه بسیار مشکل و حتی گاهی غیرممکن است و در چنین فضایی فرد فقط خود را متعلق به یک خانوار یا یک گروه دوستی و وابستگان می‌داند بنابراین تمامی فعالیت‌های اقتصادی خود را در این فضا (خانوار) سامان می‌دهد زیرا در چنین فضایی به دلیل نزدیکی و وابستگی بین افراد و تعامل و مراوده‌ای که افراد در زمان‌های متوالی با یکدیگر دارند امکان آسیب و فریب کمتر است و افراد در فضای گروه خود به راحتی به سرمایه‌گذاری و انجام فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازند. در چنین فضایی که بیشتر تولیدات اقتصادی در فضای خانوار و گروه آشنایان صورت می‌گیرد سهم ارزش تولیدات شرکتی که شکل‌گیری آنها مستلزم اعتماد تعمیم‌یافته یا اعتماد عمومی شده است بسیار اندک خواهد بود. در این فضا شرکت‌ها عمدتاً ماهیت خانوادگی و خویشاوندی داشته و به ندرت از محدوده اولیه بزرگتر می‌شوند. این امر باعث می‌شود که فعالیت این گونه فعالیت‌های اقتصادی شراکتی محدود بماند و به احتمال زیاد عمر آنها نیز کوتاه باشد و در نسل‌های بعدی این گروه‌های

خویشاوندی و خانواری از بین رود. راهی که فوکویاما در نظریه حاکمیت خانوارها برای گسترش ارزش افزوده شراکتی پیشنهاد می‌دهد افزایش اعتماد است (فوکویاما، ۱۹۹۹). شعاع بی‌اعتمادی و مطرح شدن آن زائیده تفکر رویکرد منفی فوکویاما نسبت به پدیده سرمایه اجتماعی است که این رویکرد بیان می‌دارد به جای سنجش سرمایه اجتماعی به جای یک ارزش مثبت انحرافات اجتماعی را اندازه بگیرد. وی با مطرح کردن شعاع اعتماد به عنوان معیاری جهت سنجش سرمایه اجتماعی شعاع بی‌اعتمادی را براساس همان رویکرد منفی معرفی می‌کند و بیان می‌کند می‌توانیم به جای اندازه‌گیری شعاع اعتماد به عنوان یک ارزش مثبت شعاع بی‌اعتمادی را به عنوان یک انحراف به عنوان نماینده سرمایه اجتماعی در نظر بگیریم بدین صورت که هر چه میزان این انحراف بیشتر شود این ارزش مثبت [یعنی سرمایه اجتماعی] در حال کاهش است. در این تحقیق هم ما به جای اندازه‌گیری اعتماد، بی‌اعتمادی را اندازه می‌گیریم و از شاخص شعاع بی‌اعتمادی استفاده می‌کنیم. اگرچه یک سر مطرح کردن شعاع بی‌اعتمادی ریشه در رویکرد منفی فوکویاما نسبت به پدیده سرمایه اجتماعی دارد ولی یک سر ظهور این معیار ریشه در نظریه حاکمیت خانوار فوکویاما دارد.

فوکویاما الگوی ریاضی رابرت پاتنام را تغییر داد و کامل‌تر نمود و نیز یک رابطه ریاضی کامل شده‌ای را به این شکل معرفی نمود:

$$SC = \sum (1/Rn, Rp, c, n)$$

SC بیان‌کننده سرمایه اجتماعی، Rn بیان‌کننده شعاع بی‌اعتمادی به گروه‌های دیگر، Rp بیان‌کننده شعاع اعتماد در داخل گروه، C بیان‌کننده ضریب انسجام گروهی و n بیان‌کننده تعداد اعضای گروه است.

وی براساس تئوری حاکمیت خانوار Rn را جهت سنجش اعتماد (سرمایه اجتماعی) معرفی نمود و براساس این نظریه این‌طور اثبات نمود که شعاع بی‌اعتمادی به گروه‌های دیگر در جامعه و به‌طورکل اقتصاد براساس بحث حاکمیت خانوار را می‌توان هر گونه مرزی دانست که بین تولیدات شراکتی و تولیدات خانواری کشیده شود. در واقع فرانسین فوکویاما هر طریقی را که بتوان بین تولیدات شراکتی و تولیدات غیرشراکتی تمایز قائل شد را به عنوان معیاری جهت سنجش مفهوم شعاع بی‌اعتمادی می‌پذیرد (فوکویاما، ۱۹۹۹).

شاخص موردنظر ما باید چهار ویژگی داشته باشد، شاخصی که بتواند گویای شعاع

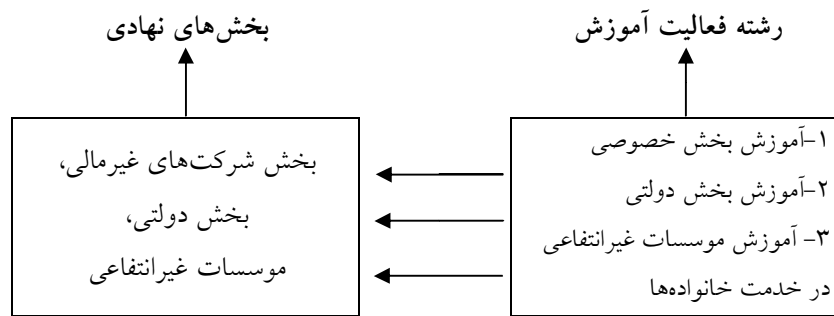


بی‌اعتمادی در عرصه اقتصاد ایران باشد یعنی اینکه نشان‌دهنده مفهوم بی‌اعتمادی باشد، از تعریف فوکویاما از شعاع بی‌اعتمادی پیروی کند، براساس گزینه حساب‌های کشور قابل ساخت باشد و مشکل گسستگی داده نداشته باشیم و سری زمانی پژوهش موردنظر ما به‌طور کامل پوشش داده شود. البته باید این نکته را متذکر شد که ارزش افزوده خانوارها صرفاً به معنای کسب درآمد از محل کسب و کار فامیلی نمی‌باشد و فوکویاما برای رسیدن به مفهوم نظریه حاکمیت خانوار، جامعه را ساده فرض کرد؛ خانوارها و غیرخانوارها. لذا ما برای رسیدن به مفهوم شعاع اعتماد و ساختن شعاع بی‌اعتمادی از سیستم حساب‌های ملی ۱۹۹۳ استفاده کردیم. بخش‌های نهادی مقیم هر کشور در سیستم جدید حساب‌های ملی به پنج گروه به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌شوند که هر کدام نیز از واحدهای نهادی مقیم مرتبط در قلمرو اقتصادی<sup>۱</sup> تشکیل شده‌اند. (SNA, (1993), paragraph 4.6).

- شرکت‌های غیر مالی<sup>۲</sup>
- شرکت‌های مالی<sup>۳</sup>
- دولت عمومی<sup>۴</sup>
- خانوارها<sup>۵</sup>
- موسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوارها<sup>۶</sup> (NPISHS).

نمودار زیر تمایز بین یک بخش نهادی و یک رشته فعالیت اقتصادی را شفاف‌تر خواهد ساخت. در این نمودار رشته فعالیت آموزش به سه زیر فعالیت آموزش تحت کنترل بخش خصوصی، آموزش تحت کنترل بخش دولتی و آموزش تامین مالی شده توسط موسسات غیرانتفاعی تقسیم شده است. حال چنانچه بخواهیم از بعد بخش نهادی به فعالیت آموزش نگاه کنیم زیرفعالیت‌های آن به‌طور جداگانه به ترتیب به بخش‌های نهادی شرکت‌های غیرمالی، دولت عمومی و موسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار طبقه‌بندی می‌شود.

- 
1. Economic Territory
  2. Non financial
  3. Financial corporation
  4. General government corporation
  5. Household
  6. Nonprofit institutions servicing households



شرکت شخصیت حقوقی است که به منظور تولید کالاها و خدمات بازاری تشکیل شده و هدف آن کسب سود یا انواع دیگر منافع مالی است و تحت مالکیت و کنترل جمعی صاحبان سهام اداره می‌شود. علاوه بر شرکت‌ها سیستم حساب‌های ملی سال ۱۹۹۳ شبه‌شرکت‌ها را نیز معرفی می‌کند که به رغم آن که فاقد شخصیت حقوقی ثبت شده هستند اما از نظام نگهداری حساب دارایی‌ها و بدهی‌های کامل و مستقلی برخوردارند. شرکت‌ها برحسب نوع فعالیت به شرکت‌های مالی و غیرمالی تفکیک می‌شوند که هر یک از آن‌ها به سه دسته شرکت‌های دولتی خصوصی و شرکت‌های تحت کنترل خارجیان قابل تقسیم هستند. بخش شرکت‌های مالی فعالیت‌های بانک مرکزی تا بانک‌های تجاری و مؤسسات اعتباری غیربانکی و شرکت‌های بیمه و صندوق بازنشستگی کارگزاران اوراق بهادار و ارائه‌کنندگان انواع خدمات پوشش‌دهنده ریسک را دربرمی‌گیرد. سایر شرکت‌هایی که نمی‌توان برحسب نوع فعالیت در این رده طبقه کرد به بخش شرکت‌های غیرمالی تعلق دارد (حساب‌های ملی ایران براساس SNA93، بانک مرکزی، ۱۳).

بخش دولت عمومی شامل دولت مرکزی و واحدهای دولت محلی همراه با صندوق تامین اجتماعی است که توسط واحدهای دولتی تامین مالی می‌شوند. افزون بر این، این بخش شامل

۱. شبه‌شرکت نگاهی غیرشرکتی است که مشابه شرکت‌ها یعنی مستقل از واحدهای نهادی که به آن تعلق دارند علم می‌کند و مانند شرکت دارای مجموعه کاملی از حساب‌ها را جمله ترازنامه است. بنابراین شبه‌شرکت‌ها متعلق به خانوارها یا واحدهای دولتی برحسب اینکه دارای فعالیت مالی یا غیرمالی باشند در بخش شکست‌های مالی یا غیرمالی طبقه‌بندی می‌شوند. Quasicorporations

مؤسسات غیرانتفاعی است که به تولیدات غیربازاری<sup>۱</sup> اشتغال داشته و در بیشتر موارد توسط واحدهای دولتی تامین می‌شود. واحدهای دولتی از نظر اهداف، وظایف و رفتار اقتصادی کاملاً متفاوت با واحدهای دیگر هستند. وظیفه واحدهای دولتی سازمان‌دهی، تامین مالی و فراهم کردن کالاها و خدمات فردی و جمعی غیربازاری برای خانوارها و کل جامعه است. دولت ممکن است خود به تولیدات غیربازاری اشتغال داشته باشد همچنین وظیفه توزیع مجدد در آمد از طریق مالیات و سایر انتقالات به عهده دولت است (SNA, 1993).

بخش خانوار شامل تمام خانوارهای مقیم است که شامل خانوارهای دسته‌جمعی نظیر بیمارستان‌ها خانه سالمندان، زندان‌ها و جز این‌ها است که در آن افراد برای مدت طولانی سکونت دارند. خانوارها ممکن است به هر نوع فعالیت اقتصادی اشتغال داشته باشند و لزوماً مصرف‌کننده صرف نباشند. اعضای خانوارها چه از طریق فعالیت‌های تولیدی خود و چه از طریق عرضه نیروی کار به سایر بنگاه‌های شرکتی و غیرشرکتی نقش مهمی را در تولید ایفا می‌کنند. در حقیقت اعضای خانواری که به فعالیت اقتصادی مبادرت می‌ورزند، از طرف خانوارهایی که به آن تعلق دارند عمل می‌کنند و به‌عنوان یک موجودیت جداگانه در نظر گرفته نمی‌شوند از این‌رو، وقتی یک عضو خانوار، مالک بنگاهی است که شرکت یا شبه شرکت نیست، این بنگاه جز جدایی‌ناپذیر خانوار محسوب می‌شود (SNA, (1993), paragraph 4, 132-4160).  
مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار (NPISH) نوعی از مؤسسات غیرانتفاعی هستند که کالاها و خدماتی را به‌صورت رایگان یا به قیمتی که به لحاظ اقتصادی معنادار نیست برای خانوارها فراهم می‌کنند. ویژگی اصلی این مؤسسات این است که امکان ایجاد در آمد، سود یا سایر منافع مالی برای واحدهای تاسیس‌کننده یا تامین مالی‌کننده آنها را نمی‌دهد (SNA, (1993). Paragraph. 3-161).

در نهایت، می‌توان گفت:

– تمام شرکت‌ها و شبه‌شرکت‌های غیرمالی به نهاد شرکت‌های غیرمالی تخصیص داده

۱. Non – marmet production تولید کالاها و خدمات فردی و جمعی است که توسط دولت و یا مؤسسات غیر انتفاعی ایجاد می‌شود و به‌صورت رایگان یا به قیمتی که از نظر اقتصادی معنادار نیست به سایر واحدهای نهادی یا کل جامعه عرضه می‌شوند.

می‌شود.

- تمام شرکت‌ها و شبه‌شرکت‌های مالی به نهاد شرکت‌های مالی تخصیص داده می‌شود.
- تمام واحدهای دولتی شامل صندوق‌های تامین اجتماعی به نهاد دولت عمومی اختصاص می‌یابد.

- همه خانوار به نهاد خانوارها تخصیص داده می‌شود ولی موسسات غیرانتفاعی ممکن است به هر یک از بخش‌های نهادی عمده غیرخانوارهای تخصیص داده شود (SNA, 1993).
- پس منظور ما از خانوار در این پژوهش مشخص شد.

حال شاخص پیشنهادی ما براساس تئوری حاکمیت خانوار فوکویاما (۱۹۹۰) عبارتست از:

$$dti = \frac{\sum(Vh)}{\sum(Vh+Vc)} = \text{شاخص کاندید نشان‌دهنده شاخص شعاع بی‌اعتمادی}$$

Vh نشان‌دهنده ارزش افزوده خانوارها و VC نشان‌دهنده ارزش افزوده شرکت‌ها می‌باشد. در واقع این کسر نشان‌دهنده نسبت ارزش افزوده خانوار بر مجموع ارزش افزوده خانوار و شرکت‌ها است. این شاخص که براساس سیستم حساب ملی جدید (SNA) اقدام به ساخت آن نمودیم نشان‌دهنده مفهوم بی‌اعتمادی براساس اعتماد عمومی شده است و به‌طور کامل از تعریف فوکویاما از شعاع بی‌اعتمادی تبعیت می‌کند زیرا توسط این حساب تمایز و تفکیک بین تولیدات و ارزش افزوده خانوارها و غیرخانوار به‌طور کامل امکان‌پذیر است و این ایده فوکویاما اینجا به‌طور کامل عملی شده است. همچنین وجود سیستم حساب‌های نهادی باعث دارا بودن ویژگی دیگر از جمله امکان ساخت آن شده همچنین در یک سری زمانی مشخص داده‌ها موجود است و می‌توان برای یک سری زمانی مشخصی این شاخص را استفاده نمود.

در کسر بالا منظور ما از شرکت‌ها هم شرکت‌های مالی و غیرمالی اعم از دولتی و غیردولتی است. گرچه شرکت‌های دولتی و غیردولتی با ایجاد ساختارهایی بی‌اعتمادی را در بین اعضا خود کاهش می‌دهند. اما نحوه اعتمادسازی در شرکت‌های دولتی و شرکت‌های غیردولتی با هم متفاوت است. شرکت‌های دولتی به پشتوانه یک نظام رسمی و دیوان سالارانه که تحت حمایت دولت است میزان اعتماد را ارتقاء می‌دهند و از بی‌اعتمادی می‌کاهند. در شرکت‌های دولتی تداوم اعتماد تا زمانی خواهد بود که این نظام رسمی و سلسله مراتب دیوانسالارانه

موجودیت داشته باشند و با کوچکترین آسیب به این نظام اعتماد در سیستم شرکت کاهش خواهد یافت در صورتی که اعتماد در شرکت‌های غیردولتی براساس و پایه خواست و شرکت داوطلبانه است و صاحبان این شرکت‌ها از اعتماد تعمیم‌یافته برخوردار هستند که شرایط شراکت و شریک شدن با یکدیگر را همین اعتماد عمومی‌شده یا اعتماد تعمیم‌یافته شده برای موسسین این‌گونه شرکت‌ها فراهم ساخته است. شاخصی که جهت سنجش شعاع بی‌اعتمادی بیان نمودیم نشان‌دهنده بی‌اعتمادی در هر بخش است. هرچه میزان این بی‌اعتمادی بیشتر شود در هر بخش اقتصاد به این معنی است که هزینه تعامل با افراد ناشناس و غریبه بالا می‌رود و افراد سعی می‌کنند فعالیت‌های اقتصادی خود را در چارچوب خانوار خود سامان دهند تا از هزینه‌های افزایش ریسک و ضررهای احتمالی جلوگیری کنند. در واقع در جامعه‌ای که بی‌اعتمادی بسیار است این کسر به مراتب بزرگتر می‌باشد.

### تخمین تابع تولید اقتصاد ایران

#### روش برآورد مدل

وضعیتی که معمولاً در زمینه این‌گونه مدل‌سازی‌ها رخ می‌دهد این است که ما دارای داده‌هایی هستیم که هم دربرگیرنده عناصر سری زمانی و هم مقطعی است. چنین مجموعه‌ای از داده‌ها عموماً به عنوان پانلی از داده‌ها یا داده‌های طولی<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند در واقع یک پانل در بردارنده افراد یا اشیاء مشابهی است که به آن نهاده<sup>۲</sup> می‌گوییم که در طول زمان کمیت‌هایی برای آن محاسبه می‌کنیم.

در پژوهش حاضر چون هدف ما برآورد تابع تولید اقتصاد ایران است، بنابراین تعداد متغیرهای مستقل مساوی با عدد ۲ می‌باشد یعنی متناسب با تعداد عوامل تولید [نیروی کار و سرمایه] که البته در این پژوهش نیز عاملی دیگری به نام اعتماد داریم ولی قبل از وارد ساختن اعتماد در تابع تولید ابتدا تابع تولید را فارغ از وجود متغیر اعتماد برآورد می‌کنیم تا بتوانیم ابتدا نوع تابع تولید را مشخص کرده و سپس هدف اصلی پژوهش یعنی بررسی اثر اعتماد

---

1. Longitudinal

2. eaity

عمومی شده بر تولید [برآورد تابع تولید به همراه متغیر اعتماد] را اجرایی خواهیم کرد. بنابراین ابتدا شرحی در مورد مراحل تخمین و چگونگی آن خواهیم داد و پس فرم تابع تولید اقتصاد ایران را مشخص خواهیم کرد و سپس در نهایت، تابع تولید اقتصاد ایران را به همراه شاخص شعاع بی‌اعتمادی تخمین زده و نتایج حاصل از تخمین را تحلیل می‌نماییم.

برای بررسی تاثیر اعتماد بر میزان تولید اقتصاد ایران لازم است که یک تابع تولید تخمین بزینم اما الگوی خاصی برای انتخاب نوع تابع تولید در دست نداریم پس چندین تابع تولید مهم را مورد آزمون قرار می‌دهیم تا مناسب‌ترین تابع تولید مشخص شود.

تابع ترانسلوگ فرم کلی به شکل زیر خواهد داشت:

$$Lny = \alpha_0 + \alpha_1 L n L + \alpha_2 \ln k + \frac{1}{2} (B_{kk} (\ln k)^2) + B_{kk} \ln k \ln l + \frac{1}{2} (B_{ll} (\ln L)^2)$$

تابع CES از یک چنین فرم کلی تبعیت می‌کند:

$$y = [\alpha_L L^p + \alpha_K K^p]^{\frac{1}{p}}$$

از شرح مراحل تخمین و انجام آزمون‌ها در این قسمت خودداری می‌کنیم و فقط مراحل تخمین را در برآورد تابع تولید اقتصاد ایران به همراه شاخص شعاع بی‌اعتمادی که از فرم کلی کاب - داگلاس تبعیت می‌کند را بیان می‌کنیم ولی با این حال جدولی از تخمین و ضرایب تابع تولید در سه حالت ترانسلوگ CES و کاب داگلاس نشان می‌دهیم که نشان‌دهنده و موکد این امر است که کاب داگلاس مناسب‌ترین تابع تولیدی اقتصاد ایران می‌باشد:

P>T	Con	P>T	L	P>T	K	ضرایب تابع تولید
		۰/۵۶	۰/۶۳۹	۰/۵۳	۰/۲۸۱	CES
-۰/۶۱	-۳۶/۷	۰/۵۵	۶/۱۸	۰/۴۵	۴/۳۱	ترانسلوگ
۰/۰۰۰	۱۱/۱	۰/۰۰۰	۰/۵۷۱	۰/۰۰۰	۰/۴۲۵	کاب داگلاس

منبع: یافته‌های تحقیق

از جدول بالا براساس ضرایب و سطح معنی‌داری می‌توان اینطور متوجه شد که کاب داگلاس مناسب‌ترین فرم برای تابع تولید اقتصاد ایران می‌باشد.

در مطالعه حاضر ۱ نشان‌دهنده هشت بخش اقتصادی [مستغلات، نفت و گاز، کشاورزی حمل و نقل و ارتباطات، صنعت، معدن، آب و برق، ساختمان] و t نشان‌دهنده دوازده سال [۱۳۸۶ - ۱۳۷۵] می‌باشد. نکته‌ای که می‌بایست در ابتدای بحث مطرح می‌نمودیم این است که زمانی که تابع تولید را در

حالت کاپ داگلاس تخمین می‌زدیم بایستی نیز آزمون همگنی را نیز انجام می‌دادیم که آیا تابع تولید مدنظر ما همگن از درجه یک می‌باشد یا خیر؟ جهت این آزمون از آزمون والد<sup>۱</sup> جهت تشخیص همگن از درجه یک بودن ضرایب تابع تولید استفاده نمودیم:

Wald Test	
Nall Hypothesis:	C(2) + (C3)=1
Chi-Squar :۰/۵۴۹۵۰۱	Prob:۰/۵۶۷۶۵۱
F – Statistic :۰/۵۴۹۵۰۱	Prob :۰/۵۶۷۶۴۳

منبع: محاسبات و یافته‌های تحقیق

میزان آماره خبی دو ۰/۵۴ و  $prob > ۰/۰۵$  می‌باشد. بنابراین فرض همگن را در ارتباط با تابع تولید می‌پذیریم. بنابراین تمامی ضرایب تابع تولید [بدون در نظر گرفتن شاخص شعاع بی‌اعتمادی] در سطح بالای ۹۵ درصد معنی‌دار هستند و ضرایب متغیرهای مستقل نشان‌دهنده کشش تولیدی و تابع تولید همگن از درجه یک می‌باشد و نهایتاً فرم خاص تابع تولید بدون در نظر گرفتن شاخص شعاع بی‌اعتمادی که توسط روش اثرات ثابت تخمین زده شده است به صورت زیر خواهد بود:

$$y = e^{11.1} L^{0.57} K^{0.42}$$

که البته ما می‌توانیم ۰/۵۷۱ را و همچنین ۰/۴۲۵ را گرد نماییم.

همان‌طور که بیان شد، الگوها و پانل تلفیقی از دو جز سری زمانی و مقطعی می‌باشند، لذا مسئله بروز رگرسیون‌های کاذب در این الگوها نیز مطرح می‌باشد. آزمون‌های متعددی در راستای بررسی ریشه واحد در این مدل‌ها عنوان شده است که از جمله می‌توان به آزمون لوین – لین<sup>۲</sup>، پسران و شین<sup>۳</sup> پدرونی<sup>۴</sup>، مادلاو و وبالتاچی اشاره کرد.

در مطالعه حاضر آزمون ریشه واحد با چند روش لوین – لین، ایم، پسران و شین و همچنین فیشر و هادری انجام گرفت و نتایج آزمون ریشه واحد تابع تولید اقتصاد ایران [بدون در نظر گرفتن عامل تولید سوم یعنی شاخص شعاع بی‌اعتمادی] در جدول ذیل آمده است:

1. Wald Test
2. Levin - Lin
3. Lm – pesaran – Shin [IPS]
4. Pedroui

Unit Root Test		
Levin, lin & Chut*	statistic: -۳/۳۱۶۹۰	prob: ۰/۰۰۴۱
Im, pesaran and shin - wstat	statistic :۰/۵۷۱۸۶	prob: ۰/۶۵۵۱
ADF-Fisher Chi - squar	statistic :۳۰/۱۴۰۱	prob: ۰/۸۸۰۹
Hadriz -stat	statistic :۱۱/۱۳۷۶	prob: ۰/۰۰۰

منبع محاسبات و یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که فرضیه  $H_0$  مبنی بر وجود ریشه واحد پذیرفته می‌شود. انگل و گرنجر بیان کردند که اگر آزمون ویکی فولر را بر روی پسماند مدل انجام دهیم و سری زمانی پسماند مانا باشد این چیزی جز هم انباشتگی نخواهد بود. در این حالت مانایی و نامانایی از طریق آزمون ریشه واحد دیگری فولر برای پسماند انجام می‌شود که فرضیه‌ها به صورت زیر است:

- عدم هم انباشتگی:  $H_0$

- هم انباشتگی:  $H_1$

نتایج حاصل از آزمون دیگری فولر بر روی پسماند حاکی از رد فرضیه  $H_0$  می‌باشد چون مقادیر محاسبه شده از مقادیر بحرانی بزرگتر است، لذا مدل پژوهش حاضر هم انباشته می‌شود.

Variable	Coefficient	T - statistic	Prob
$R^2(-1)$	-۲/۰۱۵۴۰۳۵	-۴/۶۹۹۵۳۸۰	۰/۰۰۰

منبع محاسبات و یافته‌های تحقیق

### تخمین نهایی تابع تولید اقتصاد ایران با احتساب شعاع بی‌اعتمادی

در این قسمت با جایگذاری شاخصی بی‌اعتمادی در تابع تولید اقتصاد ایران به برآورد اثر اعتماد عمومی شده بر سطح تولید اقتصاد ایران می‌پردازیم. در این مطالعه سعی شده که با استفاده از هر دو روش اثرات ثابت و اثر تصادفی تابع تولید برآورد شود. سپس  $F$  لیمر و آزمون هاسمن را جهت اینکه به کدام روش قطعاً باید مدل را برآورد نمود و انجام دادیم. از نتایج تست رسمی  $F$  لیمر و آزمون هاسمن دریافتیم که فرضیه عدم وجود تفاوت سیستماتیک میان  $B_{FE}$  و  $B_{RE}$  رد



می‌شود و این نتیجه بدست می‌آید که اثرات تصادفی جهت برآورد این تابع تولید مناسب نیست، لذا ویژگی‌های روش اثرات ثابت در برآورد این تابع تولید ترجیح دارد. حال نتایج بهترین برازش به دست آمده برای تابع تولید اقتصاد ایران طبق جدول ذیل است:

LnY	Coef	Std.Err	T	P>t	[ 95% conf.intervall]	
LnL	۰/۶۳۷۷۰۹	۰/۱۰۱۶۲۵۶	۴/۳۶	۰/۰۰۰	۰/۳۱۶۹۸۳۰	۰/۸۷۵۳۰۱۳
LnK	۰/۳۴۲۱۹	۰/۱۰۲۱۷۵۶	۵/۲۹	۰/۰۰۱	۰/۳۶۹۹۰۰۱	۰/۸۷۴۱۰۰۵
Lndti	-۰/۳۶۲۱۷۹	۰/۲۵۱۲۲۸۱	-۲/۶۳	۰/۰۰۰	-۰/۱۲۳۶۵۲۲	-۰/۲۰۷۷۲۱۸
Cons	۱۴/۳۳۲۳۵	۴/۱۵۶۴۳۷	۳/۵۵	۰/۰۰۰	۰/۲۱۶۷۰۱۱	۰/۶۸۰۰۴۲۵
R-Sq:within = ۰/۶۲۳۵		R-Sq:between = ۰/۳۴۱۴			R-Sq-overall = ۰/۳۵۵۰	
F Test That all u-I = 0      F(7 , 85) = 418.39 prob>F=0.000						

منبع: محاسبات و یافته‌های تحقیق

بدین ترتیب شاخص شعاع بی‌اعتمادی که وارد تابع تولید اقتصاد ایران گردید تاثیر منفی بر سطح تولید اقتصادی و ارزش افزوده حقیقی اقتصاد ایران دارد. ضریب شاخص بی‌اعتمادی  $-۰.۳۶$  شده است که موید تاثیر منفی شاخص بی‌اعتمادی که نماینده متغیر اعتماد به‌عنوان نهاد تولیدی در تابع تولید اقتصاد ایران است می‌باشد. بدین ترتیب فرضیه تحقیق حاضر، مبنی بر اینکه اعتماد به‌عنوان یکی از مولفه‌های عوامل نهادی (سرمایه اجتماعی) تاثیر مثبت بر سطح تولید در اقتصاد دارد، نیز تایید می‌گردد. سایر متغیرهای مستقل تابع تولید اقتصاد ایران ضرایبشان معنی‌دار است و علامت آنها مطابق پیش‌بینی تئوریک است به طوری که ضریب تخمین زده شده برای متغیر مستقل نیروی کار  $۰/۶۳$  و همچنین برای متغیر مستقل سرمایه فیزیکی  $۰/۳۴$  برآورد شده است.

در جدول بالا معادله موردنظر ما به برآورد اثر اعتماد عمومی شده بر تولید اقتصاد ایران می‌پردازد. نتایج بدست آمده از این معادله [تابع تولید کاب داگلاس اقتصاد ایران در هشت بخش اقتصادی] از نظر علامت مورد انتظار و معناداری تاییدکننده نتایج مطالعات پیشین است.

## نتیجه‌گیری

پژوهش‌های بسیاری در ارتباط با بررسی رابطه سرمایه‌اجتماعی و اعتماد با متغیرهای اقتصادی از جمله تولید، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری صورت گرفته ولی علی‌رغم تفاوت سطح تحلیلی این پژوهش‌ها و روشی که انتخاب نموده‌اند همگی بر این عقیده‌اند که تفاوت سطح توسعه کشورها براساس سطح توسعه کشورها براساس شعاع اعتماد عمومی شده توضیح داده می‌شود. فوکویاما مشکل اساسی توسعه و عدم توفیق اقتصادی بیشتر کشورها را فقدان اعتماد در عرصه جامعه علی‌الخصوص عرصه اقتصاد معرفی می‌کند. از دید وی مشکلی که بسیاری از جوامع دارای اعتماد پایین<sup>۱</sup> با آن مواجه هستند نبود سرمایه‌اجتماعی نیست، بلکه، این حقیقت است که میزان شعاع اعتماد گروه‌هایی که با هم همکاری می‌شد کم است. از دید وی اعتماد نیرویی است که باعث می‌گردد هر سازمانی یا گروهی به شکل کارآمدتر فعالیت کنند، اگر اعتماد نباشد توسعه همکاری اجتماعی و اقتصادی میسر نمی‌شود و در نتیجه هم برای دولت و هم توسعه اقتصادی آثار سوئی را ایجاد می‌کند. فوکویاما در بحث خود در مورد چگونگی سنجش اعتماد و سرمایه اجتماعی معتقد است که به جای سنجش سرمایه‌های اجتماعی به‌عنوان یک ارزش مثبت ساده‌تر است که نبود سرمایه اجتماعی را اندازه بگیریم از این رو، وی شعاع بی‌اعتمادی (عدم اعتماد) را به‌عنوان جایگزین مناسبی برای شعاع اعتماد جهت سنجش اعتماد عمومی شده یا تعمیم‌یافته معرفی می‌کند.

اعتماد عمومی شده یا اعتماد میان افراد غریبه حسن ظن نسبت به افراد دیگر در جامعه است. عناصر و جنبه‌های یک رابطه مبتنی بر اعتماد عبارتند از صداقت، سهیم کردن دیگران در اطلاعات و عقاید و افکار و احساسات، احترام و ارزش قائل شدن برای طرف مقابل، حمایت از توانایی‌ها و شایستگی‌های طرف مقابل، تمایلات همیارانه و یاری‌گرایانه و رفتارهای اعتمادآمیز. برای ایجاد این نوع از اعتماد باید شرایطی فراهم شود تا مردم در کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت کنند.

تردی گویر اعتماد عمومی شده یا اعتماد میان افراد غریبه را پایه و اساس زندگی توأم با اخلاق مسئولیت و نیکویی می‌داند و معتقد است پیوندها و اجتماعی در سایه اعتماد شکل گرفته و

## 1. Low Trust

ساخته می‌شوند. از نظر او اعتماد یک حس است که مردم آن را می‌خواهند و انجام می‌دهند و هرگونه اعتمادسازی نهادینه شده را تنها متمسکی برای توجیه انواع تبعیضات و ستم‌های قدرتمندان فرض می‌کند و آن را اعتماد غم‌انگیز معرفی می‌کند. اعتماد حُسن است، قرارداد نیست و نمی‌توان آن را به مردم دیکته کرد و خیلی کوتاه‌بینانه خواهد بود اگر به این ارزش نیکوی بشری و مقدس جنبه دستوری و اداری داده شود.

یکی از مفاهیم مفید در تبیین مفهوم سرمایه‌اجتماعی شبکه اعتماد است. شبکه اعتماد عبارت از گروهی است که براساس اعتماد متقابل به یکدیگر از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تبادلات فیما بین خود استفاده می‌کنند. از این رو، اعتماد فیما بین نقش زیادی در تسهیل فرآیندها و کاهش هزینه‌های مربوط به اینگونه تبادلات دارد. شبکه اعتماد می‌تواند بین افراد یک گروه و پایین گروه‌ها و سازمان مختلف به وجود آید.

مفهوم مفید بعدی شعاع اعتماد است. تمامی گروه‌های اجتماعی دارای میزان خاص از شعاع اعتمادند که مفهوم میزان گستردگی دایره همکاری و اعتماد متقابل اعضاء یک گروه است. در یک نتیجه‌گیری می‌توان گفت که هر چه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بزرگتری باشد سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت.

حلقه اتصال اعتماد به عنوان اصلی‌ترین مولفه سرمایه اجتماعی به اقتصاد هزینه مبادله است. اعتماد شرایطی را به وجود می‌آورد که فرد در مبادله از ربودن فرصت‌ها به دلیل خسارتی که متوجه طرف مورد مبادله می‌شود خودداری کند و این مسئله او را در مبادله قابل اعتماد می‌سازد به نحوی که هزینه کنترل رفتار و نظارت بر طرف مبادله (هزینه مبادله) را کاهش می‌دهد (فرانکوئیس، ۲۰۰۰). فوکویاما اعتقاد داشت که هزینه مبادله آن نوع هزینه‌ای است که در صورت فقدان اعتماد در سازمان‌ها و جوامع گسترش پیدا خواهد کرد. وی اعتقاد داشت که جوامع و شبکه‌هایی که روابط مبتنی بر اعتماد بین آنها وجود ندارد مجبورند بر پایه اتصالات رسمی و قراردادهای دفتری به نظم و تعادل برسند. بدین ترتیب آنان در کنش‌های اجتماعی مجبور به استفاده از قراردادهای از پیش تنظیم شده و هزینه‌های همراه آن خواهند بود و این هزینه‌ها، هزینه‌هایی هستند که در صورت وجود اعتماد وجود نخواهد داشت. (فوکویاما، ۱۹۹۵).

از آنجا که اعتماد با مشارکت سازمان‌یافته و عقلانی در فعالیت‌های اجتماعی گسترش همیاری و احترام عمومی به ترتیبات قانونی و قواعد رسمی و غیررسمی ناظر بر رفتارهای اجتماعی

افزایش می‌یابد پس هرچه رفتارهای مبتنی بر اعتماد در یک جامعه به‌طور گسترده‌تری وجود داشته باشد رفتار دو طرف مبادله قابلیت بالاتری برای پیش‌بینی پیدا می‌کند (لیون، ۲۰۰۵).

تابع تولید از جمله مفاهیمی است که از اقتصاد خرد گرفته شده و حاصل تفکر اقتصاددانان نئوکلاسیک است تابع تولید عبارت از یک رابطه فنی بین عوامل تولید و محصول و معرف حداکثر محصولی است که می‌توان با فرض ثابت بودن سایر شرایط از مجموعه خاص نهاده‌ها به‌دست آورد. بر پایه تابع تولید نئوکلاسیکی معمولاً مقدار تولید تابعی از سرمایه و نیروی کار است. فرض ضمنی نظریه نئوکلاسیکی این است که هزینه مبادله وجود ندارد یا ناچیز است. در چنین فضایی هر مدیری با ترکیب عوامل تولید (کار و سرمایه) کالای موردنظر خود را تولید می‌کند. اما نکته مهم این است که بنگاه تولیدی برای تولید محصول خود علاوه بر این که به ترکیب عوامل تولید می‌پردازد با واقعیت دیگری نیز مواجه است. امروزه یک بنگاه تولیدی مجموعه‌ای از قراردادهاست (قرارداد با کارگران، قرارداد با تهیه‌کننده مواد اولیه، قرارداد با خریداران محصولات و ...) هرچند گاهی ممکن است معامله بین طرفین فقط یکبار صورت بگیرد ولی معمولاً طبق این گونه قراردادها، مبادلات تکرار خواهند شد. نکته مهم این است که این قراردادها در بسیاری از موارد حالت رسمی و قانونی ندارد و بنابراین فاقد پشتوانه بیرونی (قدرت اعمال قانون توسط دولت، برای تضمین مفاد آنها و رعایت حقوق طرفین می‌باشند).

در این موارد آنچه که نقش اساسی در شکل‌گیری، پایبندی و تداوم این گونه قراردادها بازی می‌کند مجموعه‌ای از قواعد اخلاقی و عادات رفتاری غیررسمی و مثبتی است که طرفین مبادله به آن ملتزم می‌باشند و در واقع همین التزام انگیزه شکل‌گیری و پایبندی و تداوم قراردادها را فراهم می‌کند. این التزام مجموعه هنجارهای رفتاری که محصول آن اعتماد و همکاری و رفتارهای مبتنی بر اعتماد در جامعه است همان مفهوم سرمایه‌اجتماعی است. بدین ترتیب منطقی است که افزایش مولفه اعتماد سبب تسهیل در امر تولید می‌شود (فیوسل، ۲۰۰۶).

برای تبیین نحوه ورود سرمایه‌اجتماعی یا مولفه اعتماد که به‌عنوان شاخص‌ترین مولفه سرمایه اجتماعی مدنظر ما است، ابتدا یکی از فروض نئوکلاسیک نسبی بر صفر بودن هزینه‌های ناشی از مبادله را نقض کرده و فرض می‌کنیم که هر بنگاه میزان مشخصی پرداختی به‌عنوان هزینه مبادله خواهد پرداخت. بدین ترتیب بنگاه‌ها برای کاهش هزینه‌های ناشی از مبادله مبادرت به

استخدام بخش ویژه‌ای از نیروی کار و سرمایه می‌کند. این نوع خاص از نیروی کار و سرمایه استخدام شده توسط بنگاه سبب تسهیل در مبادلات خواهند شد. (از این پس این وقفه از عوامل را به‌عنوان عامل تسهیل کننده مبادله معرفی می‌کنیم). عامل تسهیل کننده فرصتی را به ما ارائه می‌دهد که بر اثر آن مبادلات راحت‌تر و با هزینه کمتری انجام می‌گیرد. درنهایت می‌توان نتیجه گرفت که هر چه میزان خدمات تسهیل کننده<sup>۱</sup> بالاتر باشد بنگاه هزینه جانبی کمتری متحمل می‌شود. بنابراین فرضی اساسی این است که بنگاه دارای عامل تولیدی است که سبب تسهیل در مبادله شده و از این طریق هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد (نورث، ۱۹۹۰).

در ادامه بر اساس رهیافت اقتصاد خرد سعی کردیم نشان دهیم که اعتماد یکی از نهاده‌های موجود در تابع بنگاه‌های اقتصادی است، بنابراین از آنجا که اقتصاد ملی شامل همین بنگاه‌های کوچک و مجموع آن‌ها نیز می‌باشد پس اعتماد باید یکی از نهاده‌های تابع تولید کل اقتصاد باشد.

همچنین با برآورد تابع تولید اقتصاد ایران با احتساب شعاع بی‌اعتمادی دریافتیم ضرایب متغیرهای مستقل معنی‌دار هستند. ضریب شاخص شعاع بی‌اعتمادی نیز منفی و معنی‌دار می‌باشد به این صورت که هرچه شعاع بی‌اعتمادی در سطح اقتصاد بیشتر باشد و کسر شاخص شعاع بی‌اعتمادی عدد بزرگتری باشد به این معنا خواهد بود که اعتماد تعمیم‌یافته یا اعتماد عمومی شده به میزان کمتری در سطح اقتصاد جاری است و افراد برای شرکت در فعالیت اقتصادی ترجیحتان انجام این فعالیت‌های اقتصادی در درون محافل خانوادگی و دوستی و آشنایان است و به دلیل اعتماد پایین یا فقدان اعتماد ترس از ضرر احتمالی مانع از این می‌شود که با خانوارهای دیگر، افراد و گروه‌های دیگر به شراکت بپردازند و افزایش این شعاع بی‌اعتمادی نتیجه اصلی و اولیه آن کاهش و تنزل تولیدات شراکتی در سطح اقتصاد است.

---

۱. نورث (1990)

## کتابشناسی

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمار حساب‌های ملی ایران بر اساس ۹۳ و [www.Cbi.ir/page/446.aspx](http://www.Cbi.ir/page/446.aspx) SNA
  ۲. بحرینی، محمدحسین، ملک‌الساداتی، سعید «موانع نهادی سرمایه‌گذاری کسب و کار در ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۹، ۱۳۹۰، ۲۵-۵۵:
  ۳. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی افروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، نشر شابک:
  ۴. پاتنام، رابرت «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی» در کتاب، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه» و کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز، حسن پویان، نشر شیرازه، تهران، ۱۳۸۴؛
  ۵. تاجبخش، کیان «سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه» ترجمه افشین خاکباز، حسن پویان، نشر شیرازه، تهران، ۱۳۸۴؛
  ۶. جباری حبیب، توسعه اقتصادی و اجتماعی: دور روی یک سکه، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۳۸۳؛
  ۷. زارعی، ایوب (۱۳۸۷)، «گزارش منتشر شده در پژوهشنامه اعتماد»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۲۳-۱؛
  ۸. علوی، سید بابک، «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه»، تدبیر، شماره ۱۶، ۱۳۸۰؛
  ۹. عظیمی، حسین، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸؛
  ۱۰. غفاری غلامرضا (۱۳۸۴)، اعتماد اجتماعی در ایران، تحلیل ثانوی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران: دفتر طرح‌های ملی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
  ۱۱. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶)، «اعتماد خاص گرایانه و تعمیم‌یافته»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۲، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار؛
  ۱۲. فرانسس فوکویاما، «پایان نظم»، ترجمه غلام عباس توسلیف تهران، حکایت قلم نین، چاپ دوم، ۱۳۸۵؛
  ۱۳. فیلد، جان، «سرمایه اجتماعی»، ترجمه دکتر جلال منقی تهران، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی (۱۳۸۵)؛
  ۱۴. فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران، انتشارات کویر؛
  ۱۵. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران نشر نی؛
  ۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی؛
  ۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاث، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز؛
  ۱۸. میرشجاعی، فخری «گزارش بانک مرکزی ج.ا.ا.» اداره بررسی‌های سیاست‌های اقتصادی شماره ۳۵، ۱۳۸۸؛
  ۱۹. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، الگوی محاسبه تولید ناخالص داخلی جلد اول؛
  ۲۰. مرکز آمار ایران، مجموعه تعاریف و مفاهیم حساب‌های ملی: [www.sci.org.ir/portal/faces/public/naac/naac.Tari](http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/naac/naac.Tari)
  ۲۱. نورث، داگلاس (۱۳۷۷)، ترجمه محمدرضا معینی، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه و مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی، چاپ اول؛
  ۲۲. واریان، هال، (۱۳۷۸)، «تحلیل اقتصاد خرد»، ترجمه رضا حسینی، تهران: نشر نی؛
23. Coleman, J., (1988), "social in creation of human capital". American journal of sociology, 94. 95-121;

24. Coleman, J. (1990), *Foundation of social theory*. Cambridge, Harvard University press;
25. Dasgupta, P (2003), "Social capital and Economic performance: Analytics." *infundation of social capital*, E. ostrom and T. Ahu, eds, chelten ham: Edward Elgar;
26. Defilippis, J (2001), *The myth of social capital in community development Housing policy Dabat*, Volume 12, issue, 2001;
27. Durlanf, Fafchamps, m (2002), "Scoical", *The center for the study of African Economices working paper series*, <http://www.bepress.com/case/paper/214>;
28. Fafchamps, m, and B. minten (2002), "Social capital and the firm: Evidence from Agricultural tranders in Madagascar" in *the role of social capital in development Cambridge. University press, Cambridge*, 125-154;
29. Feldman, T. R. and Assaf, S (1999), *Social capital: conceptual frameworks and empirical evidence*, the world bank, social capital imitative, working paper, No.5;
30. Fukuyama, F (1999), "Social capital and civil society", <http://www.Imf.org/external/pubs/FT/seminar/1999/reform/Fukuyama.HTM>;
31. Fukuyama, F (2002), "Social capital and Development: The coming Agenda", *SAIS Review*, winter – spring 2002;
32. Fukuyama, F. (1995), *Trust. The social virtues and creation of prosperity*. NewYork: Freee press;
33. Fukuyama, F (1992), "The end History and the last man, NewYork: The Free press;
34. Fussell, Hilary Xj, 11 Harrison – Rexrodex William R. Kennen and Vincent;
35. Gambetta, D., (1988), "Can we trus – trus". iuD. Gambetta (ed.) *Trust: making and Breaking cooperative relations*, Basil Black well;
36. Gordon, m. T.(2000), *public Trust in Government; The USA media as an Agent Accountability*, *international Review of Administrative sciences*, 4(3);
37. green, W (2001), *Econometric Analysis*, New York, university, fifth Editon;
38. Green. G and etal (2000), "Social capital, Health and Economy in south Yorkshire coalfield communities". *Sheffield Hallam University*;
39. Guiso, L and Lui, gi Zingalaes, (2001), "The role of social capital in financial development", *NBER working paper*, No. , w 7563;
40. inglehart, R (1997), "modernization and post modernization: Cultural , Economic and political chang in 41 societies. Princeton: Princeton university press;
41. Jude, G.W, Griffiths, r, Hill, H. Lutkepoul and T.Lee (1983), *introduction to theory and practice of econometrics*, second Edition, New York, john wiley and sous, inc;
42. Knack, S (2012), "Trust, associational life and economic performance", *OECD. Org / edu/ education. Economy and society / 1825662/pdf*;
43. Knack, S. and keefer, p (1997), "does social capital have economic impact? across investingation" , *quarterly journal of economic* , 112, 1252 – 1288;
44. Knank, Sand keefer, p. (1995), "institutions and economic performance: cross – country tests using Alternative institutional measures" *Economics and politics*: 207-270;
45. Larson, Larrsak (2007), *publicin the prindustry and ITS actors*", *journal of communication management*, Vol, 11, No. 3;
46. Lastern, Salamen, *Americans Nonprofit sector* [New York: The foundation center, 1992];
47. lazerson, mark, (1995), "A New phoenix: modern putting out in the modern knitwear industry", *Administrative scienc quarterly*, vol. 40, pp.34-59;
48. Levi, m and loura stoker (2000), "political trust and trustworthiness", *Annual Review of political science* 3;
49. Lin Nan, (1992 - 1999), "Building an Network theory of social capital", in, NamLin, katern cook and Ronalds. Burt, *social capital: Theory and Research*, New York:

- Aldine de Gruyter;
50. Lin, Nan (2001), *Social capital: A Theory of social and action*, Cambridge university press;
  51. Lyon, Thomas, p (2005), *making capitalism work: Social capital and economic growth in Italy, (1970 – 1995)*, <http://www.feem.ir>;
  52. Navayan, Deepa, (1995)(1996) "Designing community-Based Development" , world Bank, Washington D.C. processed;
  53. Newton, K (2002), "Social trust: unidividual and cross National Approaches", Portuguese. *Journal of science*, vol.3 No.1.
  54. North, D; (1990), "institutional chang and Economic c performance Cambridge;
  55. Nyhan, r.C (2000), "Changing the paradigm: Trust and 125 Role in public sector organization" *American Review of public Administration*, vol. 20 No.10;
  56. Nyhan, R.C, and marlow, H.A. (1997), "Development and Psychometric properties of the organizational trust inventory", *Evaluation Reviw*, vol. 21 No. 5;
  57. Offe, claus, (1999), "How can we trust our fellow citizens? In *Democracy and trust*, edited by m. warren. Cambridge: cambride university press.
  58. Olsson, o, (1999), *A microeconomic Analysis of institution*, working paper in Economics, No, 25, Gutenberg university, p. 24;
  59. Platteau, j- p, (1994), "behind the market stage where real societies exist: part 1 and the role of public and private order institutional", *journal of development studies*, 30, 3, 533 – 577;
  60. Purnam, R.D. (1995), "Bowling alone: Americas declining social capital. *J. Democr.* 6:65-78;
  61. Putnam R.D. (1993), "Making democracy work: civic traditions in modern Italy. Princeton, NJ: Princeton university press.
  62. Putnam, R (1992), *makes Democracy work*, New jersey: prinston university press;
  63. Putnam, R,D, and Goss, Krishna (2002) "introduction in Putnam [ed] , *Democracies in Flux , the evolution of social capital in contemporary society*", oxford university press;
  64. Putnam, Robert. D (1999), "Bowling alone: The collapse and Revival of American Community [New York: Sim on and Schuster];
  65. Rooter. J.B. (1967), "A New scale for the measurement of interpersonal trust", *Journal of personality* 35;
  66. Sabatini, F, (20070, *Social capital and quality of Economic Development*, available at: [www. Social capital gateway. Org](http://www.Social capital gateway. Org);
  67. Sabatini, F, (2008), *Social capital and the labour market*, MPRA paper No., 6582.
  68. Sabatinin, F (2005), *Social capital asocial Network, A new Fram work for measurement*, available at: [www. Social capital gateway. Org](http://www.Social capital gateway. Org).
  69. Sabel, C.F. (1993), *Studied trust: Building new forms of coopration in avolatile Economy*, *Human Relations*, vol. 1. 46, pp. 133 – 11700 .
  70. Schultz, Theodore, w (1961), "Investment in Human capital", *The American Economic Review* Li [1, March]: pp., 1-17;
  71. Smart, A, (1993), *Gifts, Brides, and Guanix: A Reconsideration of Bourdieuds social capital'*, *cultural Anthropology: journal of the society for cultural Anthropology*, 8: 388 – 408;
  72. solow, r.M (200), *Notes on social capital and economic performance in: Dugupta, D, Seragldin, I [Eds], social capital: A multifaceted perspective. The world Bank, Washington D.C. pp. 6-10;*
  73. *System of National Accounts, (1993) & (2003), UNSD, IMF, Euro STAT , WB. Pre edited version of v ol 1;*
  74. *University press: Cambridge.*